

آینه



اگر اصلاح طلبیم نباید دوگانه رفتار کنیم

● **فائزه هاشمی**؛ متأسفانه با توجه به اینکه در انتخابات برخی کاندیداهای اصلی یک جریان تأیید نمی‌شوند و همچنین کارکرد غیرحزبی احزاب، لیست‌ها ص‌د‌ر‌ص‌د اصلاح‌طلب نبوده است. برای مثال آقای علی‌مطهری در حوزه سیاسی به اصلاح‌طلبان نزدیک است اما همان‌گونه که خود اذعان دارد در مسائل فرهنگی این‌گونه نیست. تجربه شخصی من نیز نشان می‌دهد که بسیاری از مردان اصلاح‌طلب نیز بیشتر در مسائل سیاسی ادعای اصلاح‌طلبی دارند و به موضوعات زنان که وارد می‌شویم، آرایشی متفاوت دارند، برای نمونه همه جای دنیا طی شده ولی در کشور ما این اندازه از سوی جریان‌های سیاسی رعایت نمی‌شود. مگر نه اینکه اصلاح‌طلب به‌دنبال توسعه همه‌جانبه است و مگر نه اینکه در دنیای امروزی وضعیت و جایگاه زنان یکی از شاخ‌های توسعه است. پس اگر اصلاح‌طلبیم دیگر نمی‌توانیم شترمرغ باشیم. همین سهمیه‌هاست که می‌تواند مطالبات را جبران کرده و این فاصله را کاهش داده و وضعیت را نرمال و طبیعی کند. همچنین نیاز است در شرایط فعلی که مسئولان مدام از لزوم همدلی و وحدت سخن می‌گویند، خود نیز قدمی در این‌راه بردارند و به حقوق مردم و به‌ویژه زنان توجه بیشتری کنند، این می‌تواند پایه همدلی باشد.

مکانیسم بدیع برجام

● **میرشهبیز شافع**، **حقوقدان**؛ در اینجا سؤال پیچیده‌ای به‌وجود می‌آید: اگر ایران گام‌هایی برای کاهش تعهدات خود بردارد، عکس‌العمل طرف‌های دیگر برجام چگونه خواهد بود؟ این مسئله‌ای است که در برجام پیش‌بینی نشده است. به اعتقاد نگارنده، اگر ایران نیز همانند آمریکا، تعهدات خود را نقض کند، طرف‌های دیگر برجام از جمله اروپایی‌ها نیز احتمالاً بخشی از تحریم‌ها یا جایگزین خود را باز خواهد کردند. این در واقع بخش تاریک قطع‌نامه محسوب می‌شود اما نمی‌تواند ابتدا به ساکن منجر به مکانیسم ماشه برای بازگشت تحریم‌های شورای امنیت باشد. مگر اینکه سطح اقدامات ایران در راستای کاهش تعهدات نه به‌صورت «جزئی»، بلکه به شکل «کلی» باشد. این به معنی آن است که کل برجام بلاموضوع می‌شود؛ یعنی بازگشت وضعیت به پیش از انعقاد برجام. اما کاهش تعهدات به‌صورت جزئی از طرف ایران می‌تواند باعث مملکت‌د متقابل اروپایی‌ها شود بدون اینکه به بازگشت تحریم‌های شورای امنیت منتهی شود.

ایران

به‌شماره‌افتادن شبکیایی ایران

● **دیاکو حسینی**؛ استراتژی ایران در مواجهه با قلدری ایالات متحده، نمی‌تواند محدود به این کشور باشد. دیر با زود، صبر جمهوری اسلامی ایران در برخورد با متحدان آمریکا در منطقه که از نخستین روزهای توافق هسته‌ای به خرابکاری در آن سرگرم بوده‌اند و اکنون بی‌محابا از سیاست‌های ستیزه‌جویانه واشنگتن حمایت می‌کنند نیز لبریز خواهد شد. با این وجود، در این مرحله به نظر می‌رسد که ایران مایل به بستن در‌های گفت‌وگو حتی با ایالات متحده نیست و این روش مواجهه جدید که حاکی از پیش‌گرفتن شبکیایی گریزشی با آمریکا و متحدان آن‌ها، در راستای تقویت‌کردن امیدواری به اصلاح و تعدیل سیاست‌های خطرناک آمریکا و بازگشت به میز مذاکرات در شرایطی است که طرفین به ملزومات یک دیالوگ سازنده، صادقانه و ثمربخش پایبند باشند. آمریکای ترامپ باید از این عقیده رویگذاهد دست بردارد که می‌تواند با آنچه فشار حداکثری ارتقای نامیده می‌شود، ایران را به تسلیم وادار کند یا مروج ثامننی سیاسی و اجتماعی در ایران شود. نه تنها این، بلکه حتی سیاست‌های منطقه‌ای ایران نیز تحت تأثیر تحریم‌ها قرار نخواهد گرفت. امروز می‌دانیم که جمهوری اسلامی ایران به انگیزه‌ی به‌سابقه‌ای برای تحکیم سنسگرهای منطقه‌ای در برابر ماجراجوینی‌های احتمالی آمریکا مجهز است.

تحریم

مکافات نقض برجام

● **علیرضا اکبری**؛ ایران باید اعم از ابتکارات حقوقی، سیاسی، امنیتی و حتی اقتصادی به کار ببرد. دیدگاه من این است که به واسطه اینکه هزینه‌های زیادی از سوی جمهوری اسلامی ایران برای برجام پرداخت شده است، قاعداً باید آخرین نفری باشیم که از امتیازات برجام چشم‌پوشی بکنیم. هر زمان که جمهوری اسلامی ایران احساس کند که هزینه ماندن در برجام بیش از دستاورد در آن است، آن‌گاه باید فروپاشی برجام را به عنوان یک گزینه برای افزایش هزینه‌های طرف مقابل در نظر بگیرد. اینکه چه زمانی برآورد هزینه و فایده برجام، سر به سر می‌شود، یک تصمیم بسیار ظریف استراتژیک است که نباید در مورد آن اشتباه انجام شود.

● **دوم اردیبهشت** بود که به‌طور رسمی کاخ سفید برنامه خود را برای صفرکردن صادرات نفت ایران اعلام کرد. تا کنون (دقیقا یک هفته بعد از آن موضع‌گیری) واکنش بازار جهانی نفت، **چطور بوده** است؟ در ابتدا **شاهد** یک جهش بودیم، اما حالا **که** یک هفته از آن می‌گذرد بازار به **چه سمتی** رفته است؟

بازار جهانی نفت همیشه متأثر از چند عامل است. یک عامل به‌تنهایی نمی‌تواند مسیر بازار نفت را تغییر دهد. نیروهای پیشران برای بررسی آینده بازار نفت، به‌علت ساده‌سازی ذهن انسان، می‌تواند چند عامل سازشاسایی شود. هیچ تردیدی نیست که ده‌ها و ده‌ها متغیر در قیمت نفت مؤثر است. همان‌طورکه شما گفتید در ابتدا با توییت آقای ترامپ، قیمت‌ها بالا رفت؛ نفت شاخص برنت تا ۷۴ دلار و ۶۰ سنت پیش‌رفت. اما بعد از آن به‌دلیل فعالیت‌های متفاوتی که انجام شد، از جمله اطمینان‌دادن به بازار از سوی خالد الفالح، وزیر نفت عربستان که شاید برای اولین‌بار بود که یک وزیر این‌طور صحبت کرد که «شماره تلفن دفتر من را شرکت‌های نفت دارند»، یعنی یک اقدام کاملاً خصمانه در راستای استراتژی ترامپ. امارات عربی متحده نیز درعین‌حال که به‌لحاظ اقتصادی دیگر به تولید نفت نیاز ندارد، صادرات خود را بالا برد. عراق هم تولید خود را بالا برد. مورد چهارم به مشکلات تکنیکی نیجریه مربوط بود؛ یک مشکل تکنیکی مانع از صادرات کامل نفت نیجریه شده بود که آن هم رفع شد. نهایتاً ونزولا هم راه‌هایی برای صادرکردن نفت خود پیدا کرد. در آخر هم روسیه به صادرات نفت خودش اضافه کرد. امروز که دوشنبه است [دقیقا یک هفته بعد از اقدام آمریکا]، قیمت نفت به ۷۰ دلار و ۸۰ سنت رسید.

● **قبل از تصمیم آمریکا قیمت هر بشکه نفت برنت چقدر بود؟**

پایین‌تر از ۷۰ دلار بود. نقطه عطف قیمت نفت در سال‌های اخیر همین ۷۰ دلار است. بالاتر از ۷۰ دلار به‌نفع تولیدکنندگان است؛ چه تولیدکنندگان سنتی مثل عربستان، ایران، عراق و روسیه و چه تولیدکنندگان نفت‌های غیرمتعارف مثل کانادا و آمریکا. بیشترین قیمت نفت از اکتبر سال گذشته همین ۷۴ دلار بود.

● **شنیده بودیم که اتاق فکر ترامپ به‌دنبال زمان مناسبی برای اعلام این تصمیم بود تا بازار کمترین جهش را داشته باشد. برخی معتقد بودند که زمان مناسبی انتخاب شده بود، اما توضیحات شما خلاف این نظر است.**

از لحاظ اقتصاد انرژی، زمان مناسبی اتخاذ شد. ماهی است که اکثر پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌ها برای overhaul (تعمیرات اساسی) اقدام می‌کنند؛ بنابراین میزان نفت کمتری نیاز دارند. الان به لحاظ دما هوا هم مناسب بود. در وسط تابستان، مصرف انرژی کمتر از زمستان نیست؛ در تابستان برای تولید و برودت و سرما انرژی زیادی صرف می‌شود. کسی که این طراحی را انجام داده مناسب‌ترین وقت را در کل سال برای کمترین مصرف نفت خام در نظر گرفته بود.

● **وضعیت کشورهای همسایه را توضیح دادید، اما آخرین اظهارنظر پوتین از این‌قرار بود که برنامه‌ای برای افزایش صادرات نفت ندارند.**

دولت روسیه در مسائل سیاسی با ایران نزدیک است. ما هم از این‌طرف به روابط خود با روسیه ارج می‌نهمیم. اما از طرف دیگر تولید نفت در روسیه در دست شرکت‌هایی است که با کاملاً خصوصی هستند یا نفوذ کرملین در آنها صرفاً در مسائل کاملاً استراتژیک است؛ بنابراین اگر شرکت‌های تولیدکننده نفت در روسیه به‌لحاظ تکنیکی بتوانند بیشتر تولید کنند، این کار را انجام می‌دهند و منتظر دستور دولت نمی‌مانند.

نکته آخری که می‌خواستم بگویم این است که در جهان یک ظرفیت اضافی (Spare capacity) وجود داشت؛ درباره اوپک این در حدود سه میلیون بشکه در روز بود. دو میلیون بشکه در روز از آن ظرفیت صرف جایگزین‌کردن و کم‌کردن تنش بازار به‌دلیل خارج‌شدن نفت ایران شد. حتماً می‌دانیم که نفت ایران هنوز از بازار خارج نشده است و صادر می‌شود اما این ظرفیت صرف تعدیل مسائل روانی آن اقدام شد. مطابق مصوبه آژانس بین‌المللی انرژی بعد از شوک نفتی ۱۹۷۳ کشورها باید تا چهار ماه مصرف نفت خود را انبار کنند. به نفت انبار شده می‌گویند SPR (Strategic Petroleum Reserve)؛ ذخایر استراتژیک نفت. SPR آمریکا ۶۰۰ میلیون بشکه است. خبرها حاکی از این است که از آنها هم وارد بازار شده است.

● **عربستان و امارات منی بر جایگزین‌کردن نفت ایران تا حدودی بلوف است. با عدد به ما توضیح می‌دهید وضعیت بازار از چه قرار است و این گفته چقدر صادق است؟**

عربستان سعودی توانایی تولید ۱۲ میلیون بشکه نفت را در روز دارد. به دلیل توافق موسوم به «اوپک پلاس» - توافق اوپک، روسیه، نروژ و مکزیک - عربستان تولید خود را به ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز کاهش داد. هنوز عربستان آمار دقیقی نداده است اما کارشناسان معتقد هستند بعد از تصمیم آمریکا، آنها تولید خود را به ۱۰ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه رسانده‌اند. آمریکا متحده عربی تولیدکننده بزرگی نیست اما توانایی اقتصادی امارات

دیپلماسی

گفت‌وگو با عباس ملکی، درباره شرایط نفت بعد از اقدام آمریکا برای به‌صفرساندن صادرات ایران:

نفت را باید به هر قیمتی فروخت



حسین جلالی، نایب وزیر امور خارجه

حسین جلالی

«الان به نظر من استراتژی ایران باید استراتژی بقا باشد، نه استراتژی‌ای که از یک سنت هم نگذریم»، «دادن تخفیف در چنین حالتی استراتژیک‌ترین کار است. باید تخفیف داد». دغدغه‌های کلان و استراتژیک دارد. دیپلمات باسابقه‌ای است. عضو تیم مذاکره‌کننده قطع‌نامه ۵۹۸ بوده و از نخستین مذاکره‌کنندگان ایران در ماجرای دریای خزر است. در مراکز پژوهشی و مطالعاتی وزارت خارجه و ریاست‌جمهوری نیز سابقه مشورت‌دهی و مدیریتی دارد. حوزه تخصصی او در دانشگاه، «انرژی» است. جمع این عوامل باعث می‌شود این عضو هیئت‌علمی دانشکده انرژی دانشگاه شریف به گزینه‌ای مناسب برای گفت‌وگو تبدیل شود. دقیقاً یک هفته بعد از تصمیم کاخ سفید برای پایان‌دادن به صادرات نفت ایران و تمدید نکردن معافیت‌ها روبه‌روی عباس ملکی نشستم. او از شرایط دشوار پیش‌رو گفت و از امکان‌های فرآوری ایران.

و اینکه بخشی از فعالیت‌های نفتی در ابوظبی و دوبی است [این کشور را تأثیرگذار کرده است]. امارات اعلام کرده است تولید خود را بیشتر می‌کند اما نمی‌دانیم بیشتر کرده یا نه. الان چیزی حدود دو میلیون در روز صادرات دارد و فکر می‌کنم توان افزایش آن را تا دو میلیون و ۲۰۰ هزار شکه دارد. یک بازار یک پارچه صنعت نفت در امارات وجود دارد؛ «جیل علی» در تعمیرات و سرویس و خود ابوظبی در تولید نفت. این‌طور است که وقتی امارات [موضعی] اعلام می‌کند، بازار تا اندازه‌ای قبول می‌کند. به‌نظر من آقای مهندس زنگنه شاید باید دقیق‌تر می‌گفتند، اینها بلوف نیست و راهایی است که انجام شده است. درباره ایران [نیز بگویم که ما] هنوز داریم نفت خود را صادر می‌کنیم و امیدواریم در ظرفیت بالا هم صادر کنیم. در سال ۱۹۷۹ وقتی دولت انقلابی تصمیم گرفت هیچ نفتی صادر نکند، آن زمان نفت از ۱۷ دلار به ۴۵ دلار رسید.

● **آن جهش قیمت چقدر طول کشید؟**

از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱. در ۱۹۸۱ با تدریج با آمدن آقای ریگان و سیاست‌هایی که او برای خارج‌کردن نفت از حالت استراتژیک اتخاذ کرد. نفت ایران از ۴۵دلار، در سال ۱۹۸۶ به هفت دلار رسید.

● **منطق اقتصادی این تغییر شدید قیمت چه بود؟**
وقتی نفت از سبد کالا‌های استراتژیک خارج شد، صادرات و واردات آن دیگر تحت هیچ رژیم نبود. چون قیمت نفت هم بالا رفته بود، تعداد دکل‌ها افزایش یافت. با این فعالیت‌ها به‌تدریج نفت اضافه شد. همان‌طور که اشاره کردم، در سال ۱۹۸۶ قیمت نفت برنت ۱۰ دلار و قیمت نفت ایران هفت دلار بود.

● **چرا زورت‌در این اقدامات صورت نگرفته بود؟**
یک منحنی زنگوله‌ای به نام هیوبرت وجود دارد. شخصی به نام کینک هیوبرت در سال‌های ۱۹۶۰ پیش‌بینی کرد. تولید نفت آمریکا در سال‌های دهه ۷۰ به بالاترین سطح می‌رسد و بعد کاهش می‌یابد. آن حرف به‌لحاظ منطقی درست بود. حوزه‌ها و چاه‌های نفتی مثل آنبار در ارد، رشد می‌کند و به بلوغ می‌رسد، بعد کاهش و مرگ. این اتفاق افتاد؛ تولید نفت آمریکا از ماکسیمم سال ۱۹۷۴ افت کرد. با بالا رفتن قیمت نفت و دوم تکنولوژی‌های جدیدی، در دهه ۱۹۸۰ چاه‌هایی که فکر می‌شد دیگر نمی‌توانند کار کنند، دوباره به کار افتادند. همین‌طور در کانادا و آمریکای جنوبی و کلا در نیم‌کره غربی، تحولات مربوط به شوک نفتی اعراب ۱۹۷۳ و انقلاب ایران ۱۹۷۹ و مسئله جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰ که عراق را نیز علاوه بر ایران، از بازار نفت بیرون کرد، باعث شده بود قیمت نفت بالا برود. این‌طور بود که چاه‌ها و حوزه‌هایی که از لحاظ تولید نفت اقتصادی نبودند، اقتصاداً شدند و باعث شد قیمت نفت پایین بیاید.

● **با توجه به‌توضیحاتی که شما درباره توان تولیدی کشورهای نفتی دادید، چرا کارشناسان تأکید می‌کنند بازار چشم بر نفت ایران نخواهد بست؟ اگر بخواهیم مزیت نسبی به‌وجود بیاوریم، باید نفت خود را به چه قیمتی بفروشیم؟**

با اینکه تولیدکنندگان اصلی نفت در حال حاضر ایالات متحده، روسیه و عربستان هستند و در این سال‌ها تولید و صادرات نفت عراق هم از ما پیشی گرفت، اما نفت ایران اهمیت خودش را دارد. اهمیت آن این است که در بعضی از مقاطع، تکلیف اعداد بزرگ مشخص است؛ آمریکا روزانه ۱۳ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند، روسیه ۱۱ میلیون و عربستان ۱۰ میلیون. این اعداد مشخص است و هیچ عدم قطعیتی ندارد. ما در بازار عرضه داریم و تقاضا. در بخش تقاضا تحولات مهمی رخ داده؛ اولین تغییر پیش‌بینی بازار از به‌نتیجه‌رسیدن مذاکرات آمریکا و چین است. بازار معتقد است این مذاکرات دارد به نتیجه می‌رسد؛ اگر این مذاکرات

P=MC بهترین وضع است. هزینه نهایی یک بشکه نفت ایران حداکثر پنج دلار است. بنابراین جمهوری اسلامی اگر بتواند از ۷۰ دلار تا پنج دلار نفت بفروشد به نظر من کار درست این است که حتما این کار را انجام دهد. آن طرف ماجرا اصلاً شوخی ندارد و واقعاً درد کشوری را فلج می‌کند. معلوم است که این طرف هم باید از هر وسیله‌ای استفاده کند. دولت و مجلس باید به وزارت نفت اختیار تام بدهند. از وزارت نفت نخواهند که قرارداده‌ا و قیمت‌ها را بیاورید ما ببینیم. ما به وزیر و معاونان خودمان اطمینان داریم؛ حتماً باید چنین کارهایی انجام دهیم تا از این دوره واقعاً سخت عبور کنیم. بعد که به حالت عادی رسیدیم، می‌توانیم بازرسی‌ها و قوانین سخت بگذاریم. پیشنهاد من این است که مجلس در یک طرح دوفوریتی، پیشنهاد قراردادهای مشارکت در تولید را به وزارت نفت بدهد. شاید شرکت‌هایی در دنیا باشند که موافقت کنند و بیایند. نمی‌شود که: الان در این وضعیت قانون اساسی قراردادهای امتیازی را کنار گذاشته، قراردادهای مشارکت در تولید هم که وزارت نفت اجازه ندارد، در مورد buyback هم به مشکلاتی‌های زیاده می‌کنیم. الان وقت این کارها نیست.

● **با توضیح شما در شرایط فعلی ناگزیر هستیم رو به این شیوه‌ها بیاوریم. به‌این‌ترتیب آیا باید منتظر فسادهای اقتصادی جدید باشیم؟**

نه. این‌طور نیست. این‌ موضوع به نظام تصمیم‌گیری شما مربوط است. من به دوره جنگ برمی‌گردم؛ آن زمان هم همین‌طور بود، البته در زمینه نفت الان کار سخت‌تر شده است. آن زمان کشی‌ها به هر خا‌رک نمی‌آمدند؛ عراق کشتی‌ها را با یک موشک‌های «گروسه» که از فرانسه گرفته بود، می‌زد. ما همین کارها را می‌کردیم و هیچ فسادی در کار نبود. چون تصمیم‌گیری درست بود. سیستم در نخست‌وزیری و وزارت نفت متمرکز بود. آقای نخست‌وزیر و آقای وزیر نفت اختیار داشتند. این خیلی مهم است. هنوز هم به نظر من در جمهوری اسلامی وزیر و معاون وزیر اگر به ریخت‌پاش و فساد مایل بودند، اصلاً به اینجا نمی‌آمدند. این کار آن‌قدر سخت است که جز آدم سالمی که عاشق کشور است، کس دیگری این سمت را قبول نمی‌کند. شاید در آن دوره‌ای که آن فسادها رخ داد، بعضی‌ها اصلاً متوجه نبودند. الان اما به نظر من سیستم می‌تواند درست و دقیق کار کند. در این کشور هزاران هزار نفر هستند که سالم کار می‌کنند و این اعتقاد من است. آنهایی که سالم هستند، تربیون ندارند. شبکه‌های اجتماعی ساخته شده تا تربیونی برای این‌طور حرف‌ها و این‌طور کارها باشد. این کشور را آن آدم‌های سالم نگه داشتند. حیف است که آنها را نادیده می‌گیریم. از این‌دست آدم‌ها در وزارت‌خانه‌ها هزاران هزار نفر هستند. آنها ولی میکروفن ندارند که بگویند ما داریم به‌طور سالم کار می‌کنیم.

● **ما در قبال فروش نفت خودمان اسکناس تحویل نمی‌گیریم؟**

چرا می‌گیریم. **●** **یعنی در قبال بخشی پول می‌گیریم، بخشی دیگر با کالا تبادل می‌شود و بخشی از فروش نفت هم در بانک‌های کشورهای خارجی فریز می‌شود؟ واقعاً دقیقاً نمی‌دانم به چه اندازه، اما پول می‌گیریم.**

● **فروش نفت ایران قبل و بعد از برجام و اکنون که تحریم‌ها بازگشته، چه سیری داشته است؟**
من آن چیزی را که اطلاع دارم، می‌گویم؛ فروش در آخرین نقطه قبل از برجام یک‌ونیم میلیون بشکه در روز بود. در آخرین نقطه قبل از تحریم‌های جدید به دومین میلیون بشکه رسید. الان نمی‌دانم فروش چقدر است اما طیفی که گفته می‌شود، از ۴۰۰ بشکه هست تا یک‌ونیم میلیون بشکه. حدس من این است که الان چیزی حدود یک میلیون بشکه صادرات داریم. بلومبرگ گفته ایران در شش ماه گذشته یک میلیون و ۲۸۰ هزار بشکه در روز به‌طور متوسط صادر کرده است.

● **آقای زنگنه خیلی بر این نکته پافشاری می‌کردند که برخی عوامل داخلی مانع از این شد که فروش نفت ایران آن قدری که می‌توانست، افزایش بیابد و اگر می‌توانستیم فروش خودمان را بیشینه کنیم، حذف‌کردن ما از بازار سخت‌تر می‌شد. چقدر می‌توانستیم بعد از برجام فروش نفت خودمان را افزایش دهیم که اهمال و سنگ‌اندازی‌ها مانع از آن شد؟**

به‌نظر من اشکال اول به خود وزارت نفت وارد است. ایران چند سال وقت خودش را با IPC جدید (Iranian Petroleum Contract) تلف کرد. یک قرارداد جدید طراحی کردند و دنبال تصویب آن بودند. به‌نظر من وقت خودشان را تلف می‌کردند. به همین خاطر هم خیلی‌ها در این کار شرکت نکردند. اگر من جای آقای زنگنه بودم، لحظه‌ای که برجام به نتیجه رسید، می‌رقم با تصمیم‌گیران اصلی کشور صحبت می‌کردم و می‌گفتم معلوم نیست با این وضعیت برجام درازمدت باشد، شما به من این اختیار را بدهید که من نفت را با هر روشی که بتواند منافع کشور را بهینه کند، بفروشم. صحبت می‌کردم و مجوز می‌گرفتم و چراغ‌خاموش به دنبال این کار می‌رقتم. وزارت نفت چند شرکت چینی را اخراج کرد به امید اینکه از آنها بهتر می‌آیند. مسئله دوم مجلس است؛ مجلس هم اگر کمک می‌کرد و کار توسعه میادین نفتی و صادرات را راه می‌انداخت…

ادامه در صفحه ۱۵

نگاه بیرون

تحلیل استفان والت در فارین پالیسی

ترامپ در تقابل با ایران به دنبال چیست؟

● استفان والت، استاد دانشگاه هاروارد و نظریه‌پرداز آمریکایی در حوزه روابط بین‌الملل، در یادداشت خود که نشریه فارین پالیسی منتشر کرده است، به ارائه پنج سناریوی احتمالی درباره سیاست دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در قبال کشورمان پرداخته و تصریح می‌کند: «اولویت اول سیاست خارجی دولت ترامپ جمهوری اسلامی ایران است اما مشخص نیست که پایان آن چیست». استفان والت در ادامه یادداشت خود با طرح این سؤال که «هدف دولت ترامپ درخصوص ایران چیست؟» نوشت: «ماه‌هاست که تلاش‌های دولت را شامل بیانیه جد جان بولتون، مشاور امنیت ملی، مبنی بر اینکه واشنگتن در پاسخ به یک‌سری «تحرکات دردرسراز و اقدامات تشدیدکننده» از سوی تهران یک ناو هواپیمابر را در خاورمیانه مستقر خواهد کرد- از نظر می‌گذاریم اما من هنوز نمی‌توانم تعیین کنم که دولت به دنبال چیست. این، تا حدی به این دلیل است که رئیس‌جمهور ترامپ غیرقابل پیش‌بینی‌بودن را دوست دارد و دولت او‌که به بی‌نظمی اداره می‌شود…» این کارشناس آمریکایی در یادداشت خود پنج سناریو را که از نظر او می‌تواند اهداف سیاست‌های دولت ترامپ درخصوص ایران باشد، مطرح کرد و نوشت:

● فقط یک نمایش برای خوشایند دیگران است؛ این احتمال وجود دارد که همه این اقدامات نمایش و زستی است برای خرسند نگه‌داشتن سعودی‌ها، اسرائیلی‌ها، کشورهای حاشیه خلیج (فارس) و جمهوری‌خواهان ثروتمندی همچون شلدون آدلسون. شاید ترامپ، مایک پمپئو وزیر امور خارجه‌اش و جان بولتون مشاور امنیت ملی او عمیقاً باور دارند نظام ایران سقوط نمی‌کند و قرار نیست برای توافقی بهتر از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) مذاکره کنند… البته من خود نیز باور ندارم که واقعیت ماجرا چنین باشد. **●** فشار بر ایران برای حصول توافقی جدید؛ طبق این دیدگاه، هدف از اعمال فشار حداکثری این است که تهران به میز مذاکره بازگردد و ۱۲شرطی که پمپئو سال گذشته برای ایران مطرح کرد را بپذیرد. اما مشکل چنین‌چشم‌انداز دلفربدی این است که عملیاتی نیست. تحریم‌های بیشتر علیه ایران این کشور را متقاعد نخواهد کرد که خواسته‌های آمریکا را بپذیرد؛ به‌ویژه اینکه آمریکا دیگر از آن حمایت چندملیتی دوران برجام برخوردار نیست. **●** تغییر نظام؛ ترامپ، پمپئو و بولتون به جای یک توافق جدید و «بهتر»، ممکن است مایل به براندازی نظام ایران باشند و خود را متقاعد کرده باشند که اعمال فشار بیشتر بر مردم ایران موجب برانگیختن آنها و برانداختن حکومت خواهد شد. والت در ادامه به نمونه‌های مشابه و شکست‌خورده از فشارهای آمریکا در کوبا و لیبی اشاره و تصریح کرد: اغلب جمعیت ایران احساسات میهن‌پرستانه دارند و حتی ممکن است خشم بیشتری نسبت به قدرتی پیدا کنند که به‌شدت برای نابودکردن اقتصادشان تلاش می‌کند. خروج ترامپ از برجام نیز به نفع تدروها در تهران بود.

● دولت از فشار حداکثری استفاده کند تا ایران را مجبور به بازگشت به برنامه هسته‌ای‌اش کند. اگر این اتفاق بیفتد، سپس توجیه لازم به وجود می‌آید و اروپا، روسیه و چین از آمریکا برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران حمایت خواهند کرد. اگر ایران برنامه هسته‌ای‌اش را از سر بگیرد، از معاهده ان‌بی‌تی خارج شود و چند اقدام تلافی‌جویانه انجام دهد، مسیر به سمت یک جنگ پیشگیرانه پیش خواهد رفت که افرادی همچون بولتون مدتهاست خواهان آن هستند.

اما اشتباه نکنید. بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران دانش ساختن آن را بین نخواهد برد و یک درس قوی و عینی به ایران و دیگران درباره نجات غیرهسته‌ای‌بودن خواهد داد. قذافی پس از آن سرنگون و کشته‌شد که دست از همه سلاح‌های گشتار جمعی خود کشید؛ ایران ممکن است به‌خاطر اینکه هنوز فاقد سلاح هسته‌ای است بمباران شود اما کسی همچون کیم جونگ ایل، رهبر کره‌شمالی، می‌تواند دیدارهای دوجانبه مکرر با ترامپ داشته باشد که ادعا می‌کند آنها به یکدیگر علاقه پیدا کرده‌اند. اگر شما یک استراتژیست ارشد ایرانی بودید، از چنین الگوی رفتاری چه نتیجه‌ای می‌گرفتید؟ و فراموش نکنید اگر ایران آن‌طور که دولت ترامپ و آنهایی که درباره ایران هشدار می‌دهند و ادعا می‌کنند دارای یک شبکه گسترده از نیروهای نیابتی گوش به فرمان در منطقه بود، چرا باید تصور کنیم که در صورت حمله به تهران آنها ساکت می‌نشینند؟

● توانایی مهار؛ آخرین گزینه که محتمل‌ترین آنها هم هست. هدف فشار حداکثری بر تهران احتمالاً این است که ایران تضعیف شود و نفوذش در منطقه کاهش یابد. در این سناریو، همه صحبت‌ها درباره تغییر نظام و روی میزبون گزینه‌ها تنها، جار و جنجال یا بلوف‌هایی هستند که به نظر می‌آید پمپئو به آنها علاقه‌مند است. در این سناریو پذیرفته شده است که سیاست اعمال فشار به تغییر سیاست‌های کلان ایران، تغییر نظام، حصول توافقی بهتر نمی‌انجامد و حتی راه را برای یک جنگ پیشگیرانه هموار نمی‌کند. تمام نتیجه‌ای که این فشارها حاصل می‌کند، این است که ایران حمایتش از برخی شرکای منطقه‌ای‌اش را کم کند و نفوذ تهران کاهش یابد. **(ایسنا)**